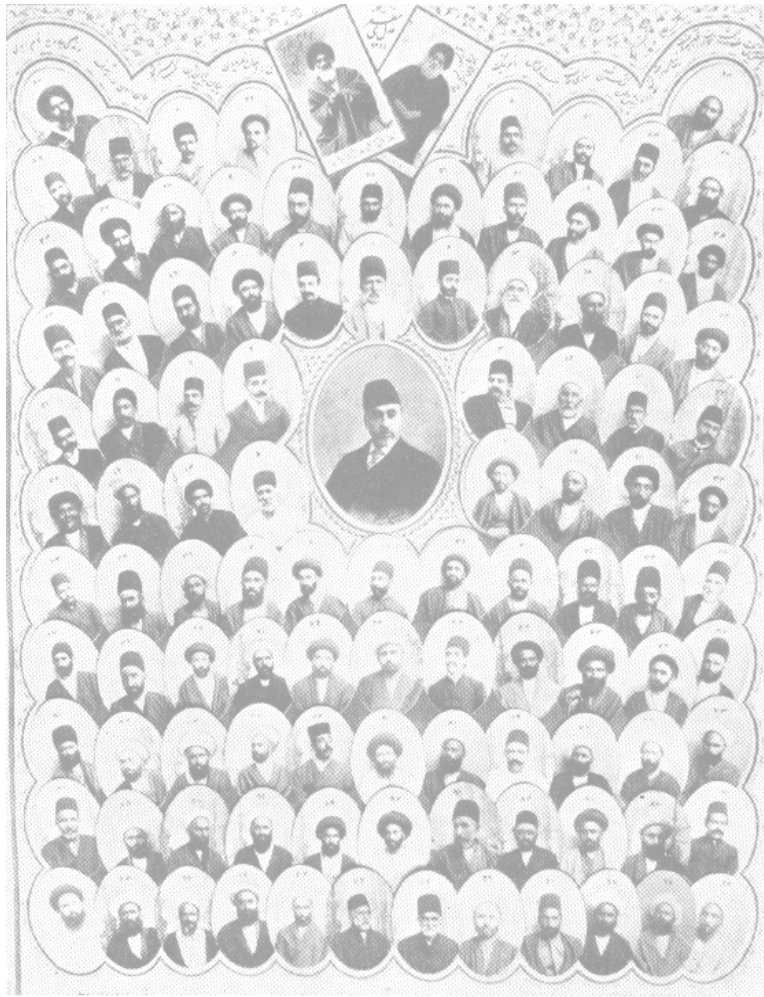


جنبش تنباکو و مبارزه بی خشونت



مرکز مطالعات دفاع استراتژیک بی خشونت

مرکز مطالعات دفاع استراتژیک بی خشونت یک مرکز مجازی است که شبکه‌ای برونمرزی شامل پژوهشگران، مترجمان، نویسندگان و کوششگران مدنی در آن گرد آمده‌اند. هدف مشترک این گروه ترویج و آموزش کنش بی خشونت به عنوان مؤثرترین راه برای ایجاد تغییر اجتماعی است.

هدف ما این است که انواع تاکتیکهای مبارزه بی خشونت را بررسی و منتشر کنیم؛ و با پژوهش و تحلیل تاکتیکهایی که در گذشته در ایران و دیگر نقاط جهان به کار گرفته شده‌اند، در مورد اثربخشی آنها نتیجه گیری کنیم.

افزون بر مطالب و تحقیقات منتشر شده در اینجا، فیلم‌های گوناگونی در باره کنشهای بی خشونت را از سراسر جهان در این تارنمای اینترنتی قرار خواهیم داد. همچنین به زودی این منابع را طی رشته برنامه‌هایی از کانالهای تلویزیونی ماهواره در دسترس همگان خواهیم گذاشت. شبکه ما برون مرزی است و از کمک افراد و پژوهشگران بی شماری از ایران و همچنین کشورهای دیگر بهره می‌برد.

پایگاه اطلاعاتی: www.bikhoshoonat.net

جنبش تنباکو نخستین اعتراض جمعی و سازمان یافته در تاریخ معاصر ایران علیه حکومت است. حاصل اتحاد جمعی ناهمگون، اصلاح طلبان غرب گرا، مخالفین سلطنت، روحانیون، بازاریان و سرانجام کشاورزان تنباکو و مردم عادی که در پس پرده انحصار تنباکو تسلط بیگانگان رامی دیدند. در تاریخ ایران تا قبل از جنبش تنباکو سابقه نداشت چنین توده مردمی در مبارزه مشارکت کنند و تا حصول نتیجه در صحنه باقی بمانند. این پیروزی مردم را که باور نمی کردند بتوانند دولت را شکست دهند، به خصوص وقتی که پای منافع یک قدرت خارجی نیز در میان باشد، در پیگیری مطالبات سیاسی مصمم تر کرد. در پیروزی البته عوامل دیگری چون رقابت روس و انگلیس و نیز جنگ قدرت درون حاکمیت بخصوص بین کامران میرزا نایب السلطنه و امین السلطان نیز دخالت داشتند که بعداً به آن اشاره خواهیم کرد. قبل از آن که مشروحاً به جنبش تنباکو بپردازیم بهتر است به عقب برگردیم و نگاهی مختصر به تاریخچه امتیازات داده شده توسط ناصرالدین شاه بیندازیم. چرا که امتیاز رژی در پیوندی تنگاتنگ با بقیه امتیازات داده شده است.

شاید خفت بارترین امتیاز داده شده در تاریخ ایران امتیاز رویتر باشد. امتیازی که پس از علنی شدن حتی محافل اروپائی را در حیرت فرو برد. در این امتیاز تقریباً تمامی معادن، احداث راه آهن، حفر قنوات، آبیاری، کشتیرانی و تاسیس بانک به رویتر داده شده بود. امتیازچنان طمعکارانه و یک جانبه تنظیم شده بود که مخالفین به حق معتقد بودند که انگار شاه حقوق سلطنت را به رویتر تفویض کرده است. نخستین زمره های مخالفت از دستگاه دولت شروع شد و شاه تنها پس از سفر به پترزبورگ و دیدن عمق نارضایتی روس ها و عکس العمل آنان بود که به عمق فاجعه پی برد. او که برای نخستین بار برای سلطنت خود احساس خطر کرده بود در برگشت به تهران، تحت عنوان شرایط فوق العاده و عملی نبودن امتیاز، آن را به حالت تعلیق در آورد. دولت انگلیس که بیم شورش داخلی داشت و نیز نگران عکس العمل روس ها بود، مخالفتی نکرد.

بیست و پنج سال بعد یعنی در سال ۱۸۸۸ با ورود وزیر مختار جدید انگلیس "دروموند ولف" که بعدها در زادگاهش او را پدراپریالیسم نامیدند بازار امتیازخواهی گرم شد. ولف شاه را تحت فشار گذاشت تا آزادی داد و ستد و سرمایه گذاری را به رسمیت بشناسد تا از این طریق با شراکت دادن ایرانیان و سرمایه گزاران خارجی راه را برای امتیازهای جدید هموار کند. شاه که هنوز اندیشناک پی آمدهای امتیاز رویتر بود مقاومت میکرد. ولف سرانجام نظر خود را بر کرسی نشاند. شاه فرمانی صادر کرد که در آن به همگان این حق داده شد که بی هیچ پروائی بتوانند در کل مملکت محروسه ایران کمپانی و یا نهادهای دیگری برای راه سازی، صنعت و کار سازی سرمایه ها تاسیس کنند. پس از صدور فرمان، ولف امتیاز کشتیرانی در رود کارون را برای انگلیس گرفت. این امتیاز گذشته از افزایش داد و ستد، به انگلیس ها امکان داد تا به سازماندهی ایلات جنوب بپردازند و به پیاده کردن

نیروهای خود در صورت لزوم در نزدیکی شهرهای ایران امکان بخشند. مهمترین امتیاز این دوره، امتیاز بانک شاهی بود که سه ماه پس از امتیاز کارون امضا شد و به عنوان یک نهاد مادر راه را بر امتیازهای مهم دیگری از جمله تنباکو گشود. ولف در سفر شاه به انگلیس تالبوت را به او معرفی کرد و مذاکرات در مورد امتیاز تنباکو در انگلیس آغاز شد. امتیاز تنباکو انحصار کامل در زمینه نظارت بر تولید، فروش و صادرات تنباکورا به مدت پنجاه سال به کمپانی انگلیسی واگذار می کند. قراردمی شود سالانه پانزده هزار پوند و بیست و پنج درصد سود را پس از کسر مخارج به دولت ایران پرداخت کنند. دولت انگلیس گرچه رسماً پس از شکست امتیاز هرگونه نقشی را انکار نمود ولی ولف بطور قطع زمینه ساز اصلی انعقاد قرار داد بود. بسیاری از ناظران سیاسی بی طرف آن زمان و حتی سفیر وقت انگلیس در روسیه اقدامات تهاجمی ولف را در اخذ امتیاز از دولت ایران در دراز مدت به نفع مصالح انگلیس نمی دانستند و ثابت شد که حق هم دارند. بعدها که ولف سفیر انگلیس در اسپانیا شد در محافل سیاسی انگلیس این شوخی مطرح بود که با سفیر شدن ولف به زودی جبل الطارق را ازدست خواهیم داد.

آغاز نا آرامی ها

گزارش اولیه ولف نشان می دهد که آن ها کوشش می کردند موضوع امتیاز را علنی نکنند و شاه نیز دستور داد اطلاعاتی از چگونگی قرار داد درز نکند، زمزمه های نارضائی ابتدا در رمضان ۱۸۹۰ در مساجد آغاز می شود. روحانیون زبان به انتقاد از شاه و اطرافیانش می گشایند و به خصوص امین السلطان، صدر اعظم را به خاطر گرانی مایحتاج عمومی سرزنش می کنند. در عریضه ای بدون امضا به شاه نهایت بدگویی از امین السلطان می شود و شاه در فرمانی به نایب السلطنه دستور پیگیری می دهد و اهانت به وزیر اعظم را زیر سؤال بردن اقتدار شاه تلقی می کند.

بوتزوف وزیر مختار جدید روسیه در ملاقات با شاه به شدت از صدر اعظم انتقاد می کند و قرار داد رژی را در تناقض با عهدنامه ترکمان چای می داند. هنوز مردم از ابعاد قرار داد رژی آگاهی چندانی ندارند. روزنامه قانون ملکم خان که در خارج منتشر می شود، دادن امتیاز به بیگانگان را سپردن سرنوشت مسلمین به دست غیر مسلمانان میدانند. ملکم که می دانست در شرایط آن روز هیچ تغییر سیاسی بدون دخالت روحانیون و به کارگیری مذهب عملی نیست، سالها بود که کوشش می کرد روحانیت را متقاعد کند که آزادی خواهی و دموکراسی نه تنها هیچ منافاتی با اسلام ندارد بلکه کاملاً هم سو و منطبق با قوانین اسلامی است.

اختر روزنامه دیگری که در استانبول منتشر می شد، سود خالص رژی از امتیاز تنباکو را حداقل پانصد هزار پوند برآورد می کند و سهم ایران را ناچیز و قرار داد را در مقایسه با امتیاز مشابه در ترکیه بسیار ناعادلانه می داند.

علیرغم مقاله اختر در رابطه با امتیاز رژی هنوز اصلاح طلبان و روشنفکران ایرانی در نوشته های خود بطور کلی به امتیاز دادن به خارجی حمله می برند و از زمستان ۱۸۹۱ است که متوجه حساسیت مردم نسبت به امتیاز رژی می شوند و به جای کلی گویی شعار واحدی پیدا کرده و تمام حملات خود را متمرکز بر امتیاز رژی می کنند.

در زمستان ۱۸۹۱ شاه نامه ای بدون امضا دریافت می کند که در آن او به وطن فروشی متهم می شود. شاه متقاعد می شود که این نامه را سید جمال الدین که در شاه عبدالعظیم بست نشسته است نوشته و دستوری دهد او را تحت الحفظ و با رسوائی از ایران اخراج کنند. عملی که خشم طرفداران سید جمال را برانگیخت و یکی از دلایلی بود که میرزا رضا کرمانی پنج سال بعد شاه را به قتل رساند.

در نامه های بدون امضا و اعلامیه ها خط فکری سید جمال کاملاً مشخص است. مطرح کردن مسائلی که به سادگی افکار عمومی را به هیجان می آورد. چوب حراج به مملکت زده اند و تحت عنوان امتیازهای مختلف، اندک اندک مملکت را کاملاً به غیرمسلمانان واگذار می کنند. سرنوشت ملت ایران مانند هندی ها خواهد شد که دیگر اختیاری در مملکت خودشان ندارند. در نامه هائی که خطاب به روحانیون و مراجع تقلید نوشته می شود، واگذارکنندگان امتیازها را دشمنان اسلام می خوانند و عاقبت این واگذاری ها را استیلائی غیر مسلمانان بر سرزمین های اسلامی و مخالفت با نص کلام خدا می دانند.

سومین مطلب روزنامه اختر این بار به طورمشروح عواقب انحصار تنباکو را بررسی می کند. پیش بینی می کند که رژی تنباکو را از کشاورزان به قیمت اندکی خواهد خرید و به قیمت گزاف به خرده فروشان داخلی خواهد فروخت و بقیه را صادر خواهد کرد. در نتیجه صادر کنندگان تنباکو از کار بیکار می شوند و دسترنج کشت کاران تنباکو به جیب خارجی ها می رود. روزنامه اختر دست به دست میگردد و موج سنگینی علیه امتیاز تنباکو در افکار عمومی ایجاد می کند.

علت عمق مخالفت ایرانیان با امتیاز تنباکو در مقایسه با سایر امتیازها این بود که این انحصار مستقیماً زندگی روزمره آنها را به چالش می کشید. کشت کاران از عاقبت کسب و کار خود بیمناک شدند و طبقه نیرومند تجار که منافعشان را از دست رفته می دیدند، علما و روحانیون را به صحنه آوردند. آزادخواهان و اصلاح طلبان که برای پیشرفت مقاصدشان سال هازیر پوست مذهبیون رفته بودند، این بار فرصت درخشانی برای خانه تکانی سیاسی در کشور به دست آوردند.

در بهار ۱۸۹۱ عریضه ای از جانب تجاردراعتراض به رژی توسط امین الدوله به شاه داده می شود. شاه و امین السلطان در جلسه هیئت دولت هر نوع اعتراض به رژی را ممنوع می کنندو بخصوص از وزیران میخواهند که در حمایت از رژی موضع واحدی داشته باشند تا مخالفین متقاعد شوند که انحصار برگشت ناپذیر است.

عده ای از تجار تنباکو در خانه ملک التجار گرد هم می آیند و طی عریضه ای به شاه پیشنهاد می کنند که حاضرند بر تنباکو مالیات بپردازند و بر طبق برآورد آنها سود حاصله بیشتر از درآمد دولت از انحصار می شود و چند روز بعد عده ای از تجار و فروشندگان تنباکو در حضرت عبدالعظیم متحصن میشوند و در نامه ای به شاه اعلام می کنند که آنها به هیچ عنوان زیر بار رژی نمی روند. روس ها نیز در گفتگو با شاه چشم انداز تاریکی از وضعیت ارائه می کنند.

شاه نگران اوضاع شده و طی جلسه ای انحلال امتیاز را به مشورت با دولت مردان می گذارد ولی بسیاری از آنها که نگران پس دادن رشوه های پرداخت شده از طرف رژی هستند مخالفت میکنند.

ملکم خان در روزنامه قانون می نویسد " مملکت ما از معدود کشورهای آسیائی است که قانون ندارد. ما به نوشتن قانون جدید نیاز نداریم. باید قوانین اسلامی را اجرا کنیم. سپس نتیجه میگیرد که هیچ تغییری در مملکت بدون مشارکت علما ممکن نیست. او همچنان پیگیرانه می کوشد روحانیون را به صف اول مخالفین بکشانند و صف بندی مخالفین و موافقین انحصار رابه صورت صف بندی مسلمانان در مقابل کفار در بیاورد. شاه ورود روزنامه قانون به کشور را ممنوع می کند و ملکم و طرفداران او را خائنین به وطن می نامد.

قبل ازاینکه این بحث را ادامه بدهیم لازم است در مورد انجمن ها که گرچه قبل از واقعه تنباکوجو وجود داشتند ولی باشروع جنبش تعداد آنها افزایش یافت بپردازیم. انجمن ها محافلی بودند که روشنفکران، بازاریان و روحانیون دور هم جمع می شدند و مسائل جامعه را مورد بحث قرار می دادند. در هر انجمن طبعاً گروه های هم فکر گرد هم می آمدند. این انجمن ها هم به صورت مخفی و هم علنی بودند. در انجمن های علنی بعضی از دولت مردان نیز عضو بودند. انجمن های مخفی عموماً متشکل از روشنفکران

و اصلاح طلبانی بودند که رویای تغییرات و تحول در کشور را داشتند. سازماندهی اصلی در چاپ و نشر اعلامیه ها و انتشار روزنامه عمدتاً کار همین انجمنهای مخفی بود. مثلاً روزنامه قانون وابسته به انجمن آدمیت بود. در این انجمن بسیاری از دیوان سالاران اصلاح طلب حکومت نیز مخفیانه عضو بودند. پس از پیروزی در ماجرای تنباکو نقش این انجمن ها در تحولات سیاسی ایران پررنگ تر شد و حاصل روشنگری و فعالیت های سیاسی آنان به انقلاب مشروطیت انجامید. اینک برمیگردیم به بحث نا آرامیها. اعلامیه هایی علیه رژی چاپ شده و در سطح وسیعی توزیع می شد. نامه های تهدید آمیز برای مقامات دولت ارسال می شد و آنها را از همکاری با عوامل رژی برحذر می داشت. شاه که ردپای سید جمال الدین و ملکم خان را در اعلامیه و نامه ها می دید دستو بازداشت تعدادی از نزدیکان این دو نفر را داد. میرزا رضا کرمانی و حاج سیاح جزء بازداشت شدگان بودند. در ماه رمضان روحانیون در منابر با شدید ترین لحن دولت را مورد حمله قرار دادند. آنها را متهم به واگذاری مملکت به کفار کردند، نخستین نشانه از بروز اتحاد بین روحانیت و تندروهای ضد حکومت بروز کرد.

در نیمه بهار ۱۸۹۱ با ورود نمایندگان رژی به شهرهای مختلف و اعلام شش ماه مهلت به کشتکاران تنباکو برای فروش محصول خود به رژی، نا آرامیها وارد مرحله جدیدی شد. مخالفین انحصار کشتکاران را قانع کرده بودند که فروش تنباکو به رژی جز ضرر و زیان نخواهد بود و کشاورزان که تنها ممر در آمد خود را در خطر می دیدند آماده مقابله با عوامل رژی و حکومت می شدند، روحانیت اما به سه دلیل مختلف به جنبش پیوست. اولاً بدلیل وابستگی به تجار و بده بستانی که بین روحانیت و بازار همیشه وجود داشته است. ثانیاً بدلیل اینکه بخشی از روحانیت به دلیل کشت و کار تنباکو در زمین های وقفی مستقیماً دچار ضرر و زیان میشد و ثالثاً این که ورود تعداد زیادی از ماموران انگلیسی به شهرها و تماس مردم با خارجیان را نمی پسندیدند.

نخستین حرکت جدی علیه رژی در شیراز اتفاق افتاد. سید علی اکبرفال اسیری از روحانیون مخالف، در مجالس مذهبی با شور فراوان علیه رژی صحبت میکرد و بدلیل نفوذی که بر عامه مردم داشت شاه دستور تبعید او را صادر کرد. تبعید سیدعلی اکبر موجی از نا آرامی در شیراز به وجود آورد. روحانیون و مردم جلوی تلگرافخانه اجتماع کردند و طی تلگراف شدید اللحنی تقاضای برگشت سید علی اکبر را نمودند. شاه طبق معمول نگران شد و از امین السلطان خواست سید علی اکبر را برگرداند، ولی امین السلطان او را متقاعد کرد که هر نوع کوتاه آمدن در مقابل روحانیت آنها را جری تر می کند. ورود نماینده محلی رژی به شیراز اوضاع را پیچیده تر کرد.

در بین مردم شایع شد که اخراج سید علی اکبر به خاطر خوشامد کفار انگلیسی بوده است. تعداد زیادی از مردم اجتماع کرده و علیه رژی شعار دادند. والی فارس دستور شلیک به جمعیت را داد. چندین نفر کشته و جمعیت متفرق شدند. گرچه شیراز موقتاً آرام شد ولی روحانیون در اعتراض به کشتار به مساجد نرفته و مردم را نیز از رفتن منع کردند. از طرف دیگر کشتکاران فروش تنباکو به رژی را بایکوت کردند. از تبعات غیر مستقیم تبعید شیخ علی اکبر به عراق، ملاقات او در بصره با سید جمال الدین بود. در این ملاقات بود که سید جمال نامه معروف خود به میرزای شیرازی مرجع اعظم آن زمان را به شیخ علی اکبر داد تا به شیرازی بدهد. تبعید و آزار شیخ علی اکبر که از بستگان میرزای شیرازی بود از اشتباهات بزرگ حکومت بود. میرزای شیرازی بنا به اعتقادات خود کمتر در سیاست دخالت میکرد ولی شکوایه های پی در پی روحانیون از نقاط مختلف ایران و نیز مشاهده بی عدالتی که در حق شیخ علی اکبر روا داشته بودند، سبب شد که از اقتدار مرجعیت خود استفاده کند.

در تابستان ۱۸۹۱ در تبریز مخالفت با رژی بالا میگردد. تبریز به علت نزدیکی با ترکیه ارتباط زیادی با دنیای خارج داشت.

نفوذ روسها در آنجا بسیار زیاد بود و کشت تنباکو بسیار رایج . گرایشات مذهبی مردم و نفوذ حاج میرزا جواد آقا از مجتهدین بنام آذربایجان و مخالف رژی، تبریز را شهری ایده آل برای مخالفین رژی می کند. برای نخستین بار در میدان مرکزی شهر اعلامیه ای نصب میشود و کسانی که با رژی همکاری کنند تهدید به مرگ میشوند. حاجی میرزا یوسف آقا مجتهد پا را فراتر میگذارد و اعلام می کند چون قرار داد رژی مصداق کامل مسلط کردن کفار بر جان و مال مسلمین است، هر مسلمانی که با آنها همکاری کند کافر و مستحق مرگ است.

شاه تصمیم میگیرد نماینده ای به تبریز بفرستد تا مخالفین را متقاعد کند که در قرار داد رژی مصالح مملکت رعایت شده است و اجرای آن در نهایت به سود کشاورزان خواهد بود. به خصوص که رژی متعهد است که تنباکو را از کشاورزان با سود عادلانه بخرد. والی تبریز که خود به مخالفین تمایل دارد طی نامه ای به شاه می نویسد که تبریز آماده انفجار است و جان اروپائیان در خطر است و شاه نماینده نفرستد مگر اینکه او حامل پیام انحلال امتیاز باشد. شاه بار دیگر به فکر انحلال قرار داد می افتد ولی امین السلطان معتقد است که امتیاز تنباکو بهانه است و هدف مخالفین شخص شاه است و اگر کوتاه بیاید امواج انقلاب سرتاسر مملکت را فرا می گیرد. تبریز عملاً آماده شورش مسلحانه می شود و ترس از قتل عام اروپائیان و ارمنیان مقامات استان را وادار می کند وخامت اوضاع را به تهران اطلاع دهند. شاه طی تلگرافی بسیار حساب شده تعهد اصولی خود را برای انحلال اعلام میکند ولی انحلال رسمی امتیاز را موکول به مذاکره با رژی و روشن شدن میزان غرامت مینماید. این تلگراف که توسط امین السلطان تنظیم شده بود در حقیقت برای فریب مخالفین و نیز آرام کردن تبریز بود. مسئول رژی طی اطلاعیه ای تعلیق موقتی امتیاز را در آذربایجان اعلام کرد و این تصور برای مردم پیش آمد که انحصار لغو شده است و بدنبال آن آرامش به تبریز بازگشت. مخالفین خبر انحلال را به شهرهای ایران مخابره کردند و امین السلطان مجبور شد والیان استانهای مختلف را در جریان واقعیت قضایا قرار دهد و از آنها بخواهد کماکان در اجرای امتیاز با رژی همکاری نمایند.

نامه میرزای شیرازی به شاه علیرغم لحن محترمانه اش بازتاب نظرات سید جمالالدین است و در آن امتیاز دادن به خارجیان را در تضاد با قرآن میداند و شاه را به انحلال قرارداد تشویق میکند. هیئتی را که شاه برای تغییر نظر میرزا به کربلا می فرستد بدون نتیجه باز میگردد. به برکت وجود تلگراف هماهنگی و اطلاع رسانی که در ایران بی سابقه بود، بین مرجع اعظم میرزای شیرازی و مجتهدین شهرستانها به وجود آمده بود. اصلاح طلبان و انجمن ها نیز از تلگراف برای هماهنگی عملیات اعتراضی در شهرها بهره می بردند. در مشهد والی استان از تجار تنباکو خواست که تعهد کنند بدون اجازه رژی خرید و فروش نکنند. این درخواست موج مردم را به خیابان ها کشاند. آنها ابتدا از والی و سپس از مجتهدین درخواست کمک کردند و وقتی جواب مساعد نگرفتند در حرم متحصن شدند. روز بعد بازار بسته شد و خیابانها مملو از جمعیت شد. شاه طی فرمانی اجرای رژی را شش ماه به تعویق انداخت ولی مخالفین قانع نشده و تقاضای لغو انحصار را داشتند. والی استان تنها با تهدید به کارگیری نیروی نظامی توانست شهر را آرام کند. با نزدیک شدن مهلت شش ماهه فروش تنباکو در اصفهان نا آرامی های جدیدی به وقوع پیوست. تهدید سرکوب نظامی ظل السلطان اثری نبخشید. آقا نجفی مجتهد، تنباکور را نجس اعلام کرد و مردم قلیان ها را شکستند و حتی یک تاجر عمده انبار تنباکوی خود را به آتش کشید تا تحویل رژی ندهد. در ادامه نا آرامیها، آقا نجفی کارکنان رژی را کافر و نجس خواند و از مردم خواست که آنها را به مکان های عمومی راه ندهند. نا آرامی اصفهان از نظر اینکه برای نخستین بار از فتوای دینی برای تحریم و مبارزه با انحصار استفاده شده بود، حائز اهمیت است.

مجتهدین اصفهانی از میرزای شیرازی خواستند که از فتوای تحریم و بایکوت حمایت کند. مبارزه در سراسر شهرهای ایران به اوج خود نزدیک میشد، در تهران فتوای معروف منسوب به میرزای شیرازی منتشر میشود. این فتوا استعمال تنباکو را حرام و در حکم محاربه با امام زمان میدانند. گرچه شبهاتی در مورد این فتوا وجود دارد و میرزای شیرازی از تایید و تکذیب آن خودداری می کند ولی اثر آن بهت آور است. مردم قلیان ها را می شکنند و حتی زنان شاه و مستخدمین دربار از استعمال تنباکو دست میکشند. با آنکه در آن زمان اعتیاد به تنباکو در ایران فراگیر بود، کمتر کسی دیده می شد که حداقل در ملا عام تنباکو استعمال کند. حتی اقلیت های مذهبی نیز تحریم را رعایت می کردند. در میان روحانیت در تهران در رابطه با انحلال اختلاف نظر وجود داشت. اکثریت از انحلال حمایت میکردند ولی اقلیتی به رهبری بهبهانی که با امین السلطان دوستی داشت و به انگلیس ها نزدیک بود و حتی متهم به رشوه گرفتن از رژی بود، از رژی حمایت می کردند. پس از صدور فتوا این گروه بشدت منزوی شدند و اکثریت به رهبری سید حسن آشتیانی که صحنه گردان اصلی اعتراضات بود بشدت مورد توجه مردم واقع شدند. دولتیان از روحانیون ناراضی برای گفتگو دعوت کردند. آشتیانی بعلت کسالت از حضور در جلسه عذر خواست. امین السلطان قول داد که قرارداد را منحل کند مشروط بر اینکه پس از انحلال تحریم لغو شود. دولت انگلیس با توجه به عملکرد حیرت انگیز فتوا به این نتیجه رسیده بود که ادامه فعالیت رژی امکان پذیر نمی باشد، بنابراین کوشش میکرد رژی را برای تعدیل غرامت در خواستی، تحت فشار بگذارد. کمپانی تقاضای غرامتی معادل پنجاه سال سود پیش بینی شده را داشت. مبلغی که دولت انگلیس آن را به شدت غیر منطقی میدانست. شاه و امین السلطان تصمیم گرفتند انحصار داخلی را لغو کنند ولی انحصار صادرات را کماکان به رژی واگذار کنند تا از میزان غرامت درخواستی بکاهند. در جلسه ای مجدداً با روحانیون و این بار با حضور آشتیانی این تصمیم را مطرح کردند. آشتیانی این پیشنهاد را نپذیرفت و هر نوع انحصاری را خلاف قانون دانست. همزمان با تلاش امین السلطان برای حفظ انحصار صادرات تنباکو، تلاش هماهنگی از ناحیه رقبای او به خصوص نایب السلطنه و ظل السلطان برای سرنگونی دولت او شروع شده بود. نخست وزیر انگلیس طی تلگرافی از وزیر مختار خود در ایران می خواهد که به هر قیمتی که شده نگذارد که دولت امین السلطان سقوط کند و هشدار می دهد که برای نجات کمپانی منافع دراز مدت انگلیس قربانی نشود.

در نشست دیگری در خانه نایب السلطنه تلاش دولتیان برای متقاعد کردن مخالفین در برداشتن تحریم بی اثر میماند. تبریز بار دیگر نا آرام می شود و مردم که می بینند کارکنان رژی سرکار خود حاضر می شوند و عده دولتیان را فریبی بیش نمی دانند. در آخرین روزهای ۱۸۹۱ اعلامیه ای در تهران منتشر شد که در آن تهدید شده بود در صورتی که ظرف دو روز امتیاز رژی لغو نشود مسلمین موظف به جهاد می باشند. این فرمان جهاد به میرزای شیرازی نسبت داده شده بود. گرچه این موضوع صحت نداشت ولی آثار روانی این اعلامیه به خصوص در میان جامعه خارجی های مقیم ایران بسیار عمیق بود. هیئت های نمایندگی اروپائی خشم خود را از رژی پنهان نمی کردند و علت اصلی این بحران را طمع کمپانی و نیز بی خردی و لطف وزیر مختار سابق انگلیس می دانستند.

بوتزوف در سخنانی که بگوش شاه هم رسید، اشتباهات پی در پی شاه در دو سال گذشته، بی تدبیری امین السلطان و سیاست های انگلیس را عامل بحران دانست. او تهدید کرد که اگر جهاد آغاز شود دولت روسیه برای بازگرداندن آرامش به ناچار نیروهای خود را وارد خاک ایران خواهد کرد و به عنوان راه حل به شاه پیشنهاد کرد انحلال کامل انحصار را فوراً اعلام کرده و امین السلطان را عزل کند. بسیاری از ایرانیان در خفا خود را برای جهاد آماده می کردند و خارجیان از دولت در خواست حفاظت کردند.

شاه و امین السلطان قول دادند که انحصار را کاملاً چه داخلی و چه صادرات را لغو کنند مشروط بر آنکه فرمان جهاد لغو شده و تحریم تنباکو برداشته شود. روحانیون لغو جهاد را به سادگی پذیرفتند به دلیل اینکه می دانستند فرمان جهاد از طرف میرزای شیرازی صحت ندارد و این عمل ترفندی بسیار موثر از ناحیه انجمن های مخفی بود تا دولت را وادار به تسلیم نمایند.

شاه سرانجام انحلال کامل قرار داد را اعلام کرد و آرامش بطور موقت به شهر بازگشت. روز موعود جهاد با آرامش سپری شد و شاه انتظار لغو تحریم را داشت. میرزای شیرازی طی تلگرافی از شاه تشکر کرد ولی اثری از فرمان لغو تحریم نبود. بزرگترین مشکل شاه و دولت این بود که وعده ها و فرمان های مختلف، دیگر مخالفین را نمی فریفت و از طرف دیگر در درون اردوگاه مخالفین عده ای اصرار داشتند حال که شاه در موضع ضعف است سطح خواسته ها را بالاتر برده و لغو همه امتیازات در دستور کار قرار گیرد. در روزهای اول سال ۱۸۹۲ شاه به آشتیانی اولتیماتوم داد یا تحریم را بر دارد و یا از تهران خارج شود. آشتیانی جواب داد که از تهران خارج می شوم. روز بعد تقریباً همه علما در منزل آشتیانی به نشانه حمایت از او جمع شدند. بازار بسته شد و موج جمعیت خشمگین در خیابان ها به شعار دادن علیه شاه پرداختند. مامورین به دستورنایب السلطنه به طرف مردم تیراندازی کردند. هفت یاهشت نفر از جمله چند تن از سادات کشته شدند. شاه دستور خود برای اخراج آشتیانی را پس گرفت، ولی مردم جنازه ها را بر سر دست گرفته و علیه شاه شعار میدادند. شایعه جهاد دو باره دهان به دهان می گشت و بسیاری از خارجی های وحشت زده تهران را ترک کردند. سرپیچی فرمانده روسی قزاق ها از دستورات در جریان شورش مردم، شاه را مستاصل و آسیب پذیر کرده بود. آشتیانی که پس از شورش در موضع قوی تری قرار داشت سه خواسته مخالفین را پرداخت خون بها به خانواده کشته شدگان، بخشودگی و عدم مجازات فعالین علیه رژی و لغو کلیه امتیازات داده شده به خارجی ها عنوان کرد.

شاه دو شرط اول را پذیرفت ولی شرط سوم را قابل قبول ندانست. آشتیانی از خواسته سوم چشم پوشید ولی خواستار آن شد که ارنستین نماینده رژی در ایران رسماً انحلال انحصار و ترک فعالیت رژی را اعلام کند. وزیر مختار انگلیس که دست روس ها را در بسیاری از نا آرامی روزهای اخیر می دید به ارنستین فشار آورد تا رسماً ترک فعالیت رژی را اعلام کند.

پس از اعلامیه ارنستین، امین السلطان توانست آشتیانی را برای لغو تحریم قانع کند. آشتیانی با استناد به یکی از تلگرام های میرزای شیرازی که چنانچه انحصار لغو گردد مردم مجاز به استعمال دخانیات خواهند بود، تحریم را لغو کرد.

پیروزی جنبش تنباکو نقش روحانیت و به خصوص مرجعیت را در سیاست ایران بسیار پررنگ کرد. همکاری و هماهنگی بی سابقه گروه های مخالف با سلیقه های سیاسی مختلف نخستین پیروزی را برای ملت به ارمغان آورد. ترکیب این اتحاد از گروه های نا همگون بار دیگر در انقلاب مشروطیت به کار گرفته شد و جواب داد.

شواهد بعدی نشان داد که خواسته های میرزای شیرازی فراتر از فقط انحلال قرار داد رژی بوده است ولی توفیق امین السلطان در شکاف انداختن بین مخالفین و نیز فشار روسها برای آرام کردن اوضاع مانع از دست یابی به خواسته های بیشتر از جمله لغو تمامی امتیازات داده شده به خارجیان شد. به هر صورت پیروزی جنبش تنباکو تا مدت ها موضوع امتیاز دادن به خارجی ها را غیر ممکن کرد. از پی آمدهای بسیار مهم واقعه تنباکو کاهش شدید نفوذ انگلیس ها در سیاست ایران و نیز افزایش نفوذ روس ها بود. امین السلطان همانطور که در سیاست ایران همیشه معمول بوده است با چرخش به سمت قدرت قوی تر یعنی روس ها موقعیت لرزان خود را تحکیم کرد و با گشاده دستی در پرداخت به روحانیون متحدین نیرومندی در بین این طبقه پیدا کرد.

پس از ماه‌ها مذاکره سرانجام پانصد هزار پوند غرامت مورد توافق طرفین قرار گرفت. این مبلغ را دولت انگلیس با بهره ۶٪ به ایران وام داد. این وام سرانجام شروع قرض‌های پی‌درپی شد که ایران از کشورهای خارجی دریافت کرد. مطبوعات انگلیس ضمن حمله به دولت انگلیس به علت پشتیبانی از رژیم در اخذ غرامت، آن را شرم‌آور دانستند. به نظر نویسندگان این مطالب کل مخارج رژیم در ایران بیش از سیصد هزار پوند نبوده و بخش اعظم این مخارج نیز رشوه‌هایی بوده است که به مقامات مملکت برای انعقاد قرار داد پرداخت شده است.

از موارد قابل ذکر دیگر در باره پی‌آمد جنبش تنباکو اینست که روشنفکران و اصلاح‌طلبان آن روز ایران سالها تقاضای شروع اصلاحات درون‌حکومتی را از دولتمردان و دیوانسالاران می‌کردند ولی با پیروزی جنبش تنباکو تغییر جهت داده و در هر رویداد سیاسی کوشش می‌کردند روحانیون عالی‌رتبه و بخصوص مرجعیت را جلو بیندازند. حتی میرزا آقاخان کرمانی که منسوب به فرقه ازلی بود و اصلاً با روحانیت میانه‌خوبی نداشت در سر مقاله‌های روزنامه اختر از پیشگامی روحانیت دفاع می‌کرد.

نهضت تنباکو و مبارزه بی‌خشونت

در تاریخ مبارزات سیاسی ایران هر گاه روحانیت بطور یک پارچه وارد عمل شده و اختلاف سیاسی را مقابله حکومت با اسلام قلمداد کرده، دست و دل حکومت برای بکارگیری خشونت لرزیده است. به خصوص حکومت قاجاریه که از اوان تاسیس برای پیدا کردن مشروعیت مردمی همیشه سر بر شانه روحانیت گذاشته بود. دولت در آغاز ناآرامی‌ها، در شهرهای شیراز، اصفهان و مشهد خشونت نشان داد و موفق به برقراری آرامش نسبی نیز شد ولی به دلیل عمق نارضایتی‌ها پس از چندی ناآرامی‌ها مجدداً شروع می‌شد و شاه که نگران شورش عمومی بود از خشونت بیشتر خودداری می‌کرد. رهبران معترضین هوشمندانه توانستند نهضت تنباکو را که خواسته اصلی آن لغو امتیاز رژیم بود، تبدیل به رویارویی اسلام و کفر کنند. این شعار محوری توده مردم را به صحنه کشید و چنان ریشه‌های عمیق مردمی برای نهضت به ارمغان آورد که عملاً فرصت اعمال خشونت را از طرف مقابل گرفت. جالب است که در رویارویی تنباکو، دولتیان نیز روحانیون طرفدار خود را داشتند و در این صف بندی روحانیون علیه یکدیگر تقریباً توازن برقرار بود. ورود میرزای شیرازی به جناح مخالفین این توازن را بهم زد و رنگ و لعاب مذهبی نهضت بیشتر شد.

در دوره قاجاریه مساجد جزء معدود مکان‌هایی بود که مسائل سیاسی روز مورد بحث قرار می‌گرفت. شبکه اطلاع‌رسانی بسیار گسترده‌ای که سرتاسر کشور را در برمی‌گرفت، سیاست‌های تعیین شده چه در انجمن‌های مخفی و چه توسط سران مخالفین، توسط روحانیون در منابر برای مردم توضیح داده میشد و عملاً مساجد بزرگترین پایگاه مخالفین بود و بیشتر روشنگری‌ها و افشاگری‌ها در آنجا صورت می‌گرفت. دولتیان نیز بخاطر حرمتی که برای مساجد قائل بودند کمتر مساجد را مورد هجوم قرار میدادند و بهمین دلیل مردم همواره از مساجد برای اعتراض‌های مسالمت‌جویانه خود علیه حکومت استفاده می‌کردند.

بست نشینی و تحصن نیز در تاریخ ایران سابقه‌ای طولانی در اعتراضات مسالمت‌جویانه دارد. مردم ظلم دیده یا معترض در امام‌زاده‌ها یا سایر مکان‌های مقدس و به ندرت، در سفارت‌خانه‌های خارجی بست می‌نشستند و دولتیان نیز معمولاً این حریم را رعایت می‌کردند و از برخورد با بست نشینان اجتناب می‌کردند. گرچه این قانون عمومیت نداشت به عنوان مثال چندی قبل از واقعه تنباکو به دستور شاه سید جمال‌الدین را که در شاه‌عبدالعظیم بست نشسته بود دستگیر کرده و او را تبعید کردند. نخستین حرکت اعتراضی جنبش تنباکو با بست نشینی تعدادی از تجار در شاه‌عبدالعظیم آغاز شد و بعداً تحصن‌های متعدد در شهرهای مختلف ایران در طول جنبش، بخشی از حرکات اعتراضی مردم بود.

بستن مغازه ها و به خصوص تعطیل کردن بازار سابقه ای دیرینه در اعتراضات سیاسی در تاریخ ایران دارد. سابقه این حرکت سیاسی به سال ها قبل از جنبش تنباکو برمی گردد و بطور کلی بستن بازار در درگیری های سیاسی در ایران چنان همواره معمول بوده که مانند دماسنج التهاب سیاسی عمل می کند. در طول مبارزات تنباکو نیز بستن مغازه ها و تعطیل بازار در شهرهای مختلف ایران بارها تکرار شد.

جنبش تنباکو نخستین اعتراض سیاسی بود که از تلگراف که تازه در شهرهای ایران به کار افتاده بود بیشترین بهره را برده و نیز برای اولین بار بود که از اختراع خارجی ها برای مبارزه با نفوذ خارجی ها استفاده میشد. تلگراف امکانات وسیعی برای هماهنگی عملیات در اختیار رهبران جنبش قرار داد.

یکی از مهمترین دستاوردهای جنبش تنباکو اشاعه فرهنگ روزنامه خوانی در کشور بود. تا قبل از جنبش تنباکو روزنامه ها به تعداد معدود که عمدتاً نظریات دولت را منعکس می کردند منتشر می شد. هم زمان با جنبش، تعداد روزنامه ها و نیز تیراژ آنها افزایش بی سابقه ای یافت.

دو روزنامه تاثیرگذار آن زمان قانون و اختر بودند که هر دو در خارج از کشور و توسط انجمن های مخفی منتشر می شدند. سر مقاله های قانون توسط ملکم خان و در انتقاد از حکومت و امتیازهای خارجی نوشته می شد و سر مقاله های اختر توسط میرزا آقاخان کرمانی در همان حال و هوای قانون نگاشته می شد. دو مقاله اختر پیرامون امتیاز تنباکو بیش از هر نوشته دیگری ابعاد خفت بار امتیاز تنباکو را به مردم شناساند. این مقالات با مقایسه قرار داد رژی در ایران و قرار داد رژی در ترکیه نشان داد که چگونه مقامات کمپانی با رشوه دادن به برخی از دولتیان توانسته بودند قرار دادی یک طرفه به نفع خود تنظیم کنند. این مقالات چنان خشم شاه را برانگیخت که دستور جلوگیری از انتشار این دو روزنامه را در ایران داد.

اعلامیه نویسی، نامه های بدون امضاء به دولتیان و انتشار شب نامه ها نیز از پدیده های بود که در جنبش تنباکو بروز کرد. پخش اعلامیه ها و شب نامه ها به صورت سازمان دهی شده عمدتاً کار انجمن های مخفی بود. نامه های بدون امضاء به شاه و دولتیان ضمن متهم کردن آنها به وطن فروشی و ضدیت با اسلام، تهدید آمیز نیز بود. شب نامه ها نیز کم و بیش همان محتوای نامه ها را داشت ولی توزیع آنها بسیار منظم بود و گاه بوسیله پست که به تازگی در تهران شروع به کار کرده بود انجام می شد. نصب اعلامیه در میدان ها و مکان های عمومی نیز سابقه طولانی داشت و حداقل در یک مورد بر روند حوادث تاثیر جدی داشت. اعلامیه ای که تهدید به حکم جهاد از طرف میرزای شیرازی شده بود و صحت نداشت. این اعلامیه فضای بسیار پر تنش در تهران به وجود آورد و از عوامل مهم تسلیم دولت بود.

عریضه نویسی از دیر باز در ایران برای دادخواهی رواج داشته است ولی در واقعه تنباکو گسترش بی سابقه ای یافت. شروع اعتراضات با عریضه تجار و کشتکاران تنباکو به شاه آغاز شد و عریضه های متعدد که از مجتهدین و روحانیون شهرستان ها برای میرزای شیرازی ارسال می شد از عوامل مهم در جذب میرزا به جنبش بود. تحریم برنده ترین سلاحی بود که در این جنبش به کار گرفته شد. پس از صدور فتوای معروف میرزا، نه تنها مصرف که خرید و فروش تنباکو متوقف گردید. مغازه های فروش تنباکو بسته شد و بسیاری از کشت کاران تنباکو از فروش محصول خود به رژی خودداری کردند و حتی در یک مورد یک تاجر اصفهانی انبار تنباکوی خود را به آتش کشید و به رژی نفروخت. این تحریم فقط منحصر به تنباکو نبود، بسیاری از مردم از کار کردن با بانک شاهی نیز خودداری کردند. البته باید توجه داشت عامل مهم موفقیت تحریم در شیوه پردازش فتوا بود. استعمال تنباکو را محاربه با امام زمان دانستن، جرمی بود که در جامعه مذهبی آن روز ایران دست و دل هر مسلمانی را می لرزاند. استفاده

از مراسم عزاداری برای اعتراضات مسالمت آمیز منحصراً به نهضت تنباکو نبود. سال‌ها بود که در ماه‌های محرم و رمضان و یا دیگر روزهای عزاداری در مساجد و مکان‌های مقدس مذهبی مردم گرد هم می‌آمدند و به عزاداری می‌پرداختند. این گرد هم آئی‌ها به خصوص که از نوعی مصونیت برخوردار بود، محیطی مناسب برای انتقاد از دولتمردان می‌شد. جالب است در هر شهری که دولت موفق می‌شد آرامش برقرار کند، با فرارسیدن روزهای عزاداری اوضاع دوباره از کنترل خارج می‌شد.

گرچه در مورد انجمن‌ها در مبحث قبلی به اجمال اشاره شد ولی از نظر تاثیر عمیقی که انجمن‌ها نه تنها در نهضت تنباکو بلکه در انقلاب مشروطیت نیز گذاشتند لازم است نحوه شکل‌گیری و کارکرد آنها را مفصل‌تر بررسی کنیم.

قبل از نهضت تنباکو انجمن‌ها عمدتاً تخصصی و با هدف مطالعه موضوعات مشخص مانند شعر و فلسفه و تاریخ بودند ولی در پایان قرن و شروع دوران بیداری ایرانیان، تعداد زیادی انجمن توسط نخبگان سیاسی و عمدتاً آشنا با غرب تشکیل شد. هدف اصلی تشکیل این انجمن‌ها بررسی سیستم حکومتی در ایران و ایجاد تحول در آن بود. مفاهیمی مانند ملیت، استقلال، منافع ملی، حاکمیت ملی، از درون این انجمن‌ها به فرهنگ سیاسی ایران آمد. عضویت در انجمن‌ها ئی که هدف دگرگونی بنیادی در سیستم حکومتی ایران داشتند مخفی بود. به دلیل اینکه نو خواهی در سیستم حکومتی سنتی قاجاریه را تهدید میکرد، مخفی کاری و انکار عقاید البته ادامه سنت دیرینه مذهب شیعه یعنی تقیه بود. بعضی از اعضای فعال این انجمن‌ها ازلی بودند که البته اعتقادات خود را مخفی نگاه می‌داشتند. انجمن‌های علنی ترکیبی از روحانیون آزادیخواه، بازاریان و نیروهای ترقی خواه داخل دولت بودند. تلاش این انجمن‌ها اصلاحات در چهارچوب حکومت موجود بود و خواستار شروع اصلاحات از بالا یعنی از طرف دولت بودند.

گسترش صنعت چاپ در ایران به این انجمن‌ها فرصت داد که افکار و عقاید خود را تبلیغ کنند. صنعت چاپ به جنبش‌های سیاسی در اروپا این امکان را داد تا گروه‌های هم فکر خود را جذب کنند و در حقیقت آن چه در ایران اتفاق افتاد در مقیاس کوچکتر تکرار تجربه اروپا در قرن هیجدهم بود. پس از پیروزی جنبش تنباکو این انجمن‌ها کار آزموده تر و پخته تر به فعالیت خود ادامه دادند. پس از پیروزی انقلاب مشروطیت تعدادی از این انجمن‌ها به احزاب سیاسی تبدیل شدند.

انجمن آدمیت از معروف ترین انجمن‌های آن زمان است. روزنامه قانون که توسط ملکم خان در لندن منتشر می‌شد منعکس کننده نظریات این انجمن بود. بحث‌های اولیه این انجمن پیرامون رابطه مردم و حکومت بوده و خود این مورد متاثر از جنبش اروپائی "جهان انسانیت" بوده است. انجمن آدمیت دارای بخش‌های علنی و مخفی بوده است. انجمن مخفی به خصوص در جریان انقلاب مشروطیت بسیار فعال بود.

اعضای کمیته انقلابی یا همان انجمن مخفی را پنجاه و هفت نفر میدانند که از روحانیون و تجار گرفته تا شاهدزاده‌های قاجار و ازلی و زردشتی در آن عضویت داشتند. ماحصل آن که انجمن‌ها در جنبش تنباکو و انقلاب مشروطیت از صحنه گردانان و برنامه ریزان اصلی بودند. انجمن‌ها در تاریخ ایران از این نظر اهمیت دارند که نخستین هسته‌های دموکراسی خواهی و نگاهی دو باره به ساختار حکومتی ایران و پیدا کردن نقشی برای مردم در حکومت بودند.

این جنبش با این که ماهیت خارجی ستیزی داشت ولی عملاً امواج تجدد خواهی را به ایران سرازیر کرد. نقش پیشتازی دادن به علما از طرف روشنفکران گرچه تاکتیکی حساب شده بود ولی بعدها تاثیرات ناخواسته و عمیقی در سیاست ایران به جا گذاشت. هدف اصلی نخبگان سیاسی آن دوره استفاده از روحانیت برای بر اندازی قاجاریه و یا حداقل ساقط کردن سلطنت ناصرالدین شاه بود ولی روحانیت زیر بار نرفت. جالب است که آزادی خواهانی چون سید جمال، ملکم خان و میرزا آقا خان عملاً از روحانیت می خواستند که وارد صحنه شده و قدرت را در دست بگیرد ولی مراجع علاقه ای نشان ندادند. دلیل این عدم علاقه این بود که اولاً مراجع بزرگ آن دوره اعتقادی به ورود روحانیت به سیاست نداشتند و آن را در دراز مدت باعث تضعیف روحانیت می دانستند. ثانیاً بخش اعظم روحانیت با سلطنت رابطه ای تنگاتنگ داشت و عملاً شریک بدون مسئولیت در قدرت بود. جنبش تنباکو نیروهای خفته سیاسی در کشور را بیدار کرد و مردم عادی باور کردند که پیروزی بر حکومت عملی است. همین باور راه را بر پیروزی بزرگتر یعنی انقلاب مشروطیت گشود. گر چه پس از پیروزی جنبش، عملاً وضع بهتر نشد و کشاورزان به آنچه مورد نظرشان بود نرسیدند و نفوذ خارجی با توجه به وام های پی در پی بیشتر هم شد ولی مردم در نگاهی دوباره نا کار آمدی و فساد حکومت را هدف قرار دادند و به سادگی این نکته جا افتاد که اگر طمع و فساد دولتیان نبود، امکان نداشت کمپانی بتواند امتیاز تنباکو را کسب کند.

جنبش تنباکو نخستین اعتراض مسالمت آمیز ملت ایران علیه حکومتی بود که تا قبل از آن هیچ نقشی برای آنها قائل نبود. جنبش، تجربه دردناکی برای حکومت بود. نخستین بار بود که زبان زور در سیاست ایران جواب نداد.